

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۰۲ نوامبر ۲۰۲۴

از منابع دیگر

تاریخ حافظه قوی دارد

قسمت پانزدهم

جنايات حكومت هاى وابسته به شوروى

نقض حقوق بشر بين المللى و قوانين انسانى در سال ۱۹۷۸ الی ۱۹۹۲ علیرغم شرارت زیاد و جنايات بی شمار، این دوره کمترین اسناد جنگ را دارا می باشد. افغانستان از بیشتر قسمتهای جهان مجزا بوده و خبرنگاران خارجی کمی به این کشور دسترسی داشته اند، و اخبار حادثاتی که خارج از کابل به وقوع پیوسته به آهستگی در خارج از کشور جعل می شد. در نتیجه، بیشترین اطلاعات همراه پناهندگان که شروع به فرار از کشور نموده بودند، انتقال یافت. آن عده که توانایی داشتند به اروپا، امریکا و یا دیگر کشور ها رفتند و هزاران نفر دیگر در پاکستان و ایران مسکن گزیدند.

پروژه عدالت افغانستان

دوشنبه ۱ فبروری ۲۰۱۰

اشاره: پروژه عدالت افغانستان، گزارش نسبتاً خوبی در باره جنايات انجام شده در افغانستان در سال ۲۰۰۵ منتشر کرد. این گزارش متأسفانه تاکنون در سطح وسیع در اختیار شهروندان (اتباع) افغانستان قرار نگرفته است.

كودتای حزب دموکراتیک خلق و تجاوز شوروى

جنگی که در افغانستان حدود ربع قرن طول کشیده از ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ شروع شد، زمانیکه حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) که یک شاخه کوچک جدا شده از حزب مارکسیست-لنینیست، بود، یک کودتا به راه انداخته و رئیس جمهور محمد داود خان را سرنگون کرده و وی را با اکثریت

اعضای فامیلش کشتند. سپس حزب دموکراتیک خلق به مبارزه نابرابر و جاه طلبانه مبادرت ورزیده تا افغانستان را به یک حالت سوسیالیست تبدیل کند. در جریان این مرحله، نیرو های حزب خلق عمدتاً از سازمان اطلاعات (خاد) علاوه بر پولیس و اردوی ملی مرتکب جنایات جنگی به مقیاس وسیع شده اند. مبادرت به اصلاحات و اقدامهای سرکوبگرانه حزب خلق برای آوردن مردم به تفکر خودشان، جرقه های مقاومت را در اطراف شهرها روشن ساخت. حزب خلق قیامها را سرکوب کرد ولی عدم حمایت همه جانبه از انجام اعمال سیاسی شان، خودشان را در وضعیت بغرنج غیر قابل کنترل یافتند. یک سال بعد از کودتا، رژیم با شورش های گسترده در اردو روبرو شد.

فرقه های داخلی حزب خلق در خونریزی ها و کشتارها دست داشتند. حزب به دو شاخه خلق و پرچم تقسیم شد. بعد از کودتا رهبر جدید حزب از جناح خلق، اعضای رهبری حزب از شاخه پرچم را پاک سازی نمود. حداقل صدها تن را کشت و مابقی را زندانی و یا به عنوان سفیر به خارج از کشور تبعید نمود.

رهبران خلق یک لیستی از اصلاحات را پیش رو گرفتند که شامل طرح حذف تمام مخالفین شان و تبدیل ساختار اجتماعی افغانستان می شد. دستگیری های گسترده و قتل عام ها بلافاصله بعد از کودتا شروع شد و آنهایی که متهم به مخالفت با رژیم و اصلاحاتش بودند را هدف قرار می داد که عبارت بودند از: مامورین دولتی سابق، رهبران مذهبی، رهبران قومها، معلمین و باقی روشنفکران و فعالان سیاسی به شمول مائویست ها، اسلام گرایان، و نژاد گراها. دستگیری های گسترده در شهر معمول بود و سرنوشت بسیاری از دستگیر شدگان در پل چرخی - زندانی در اطراف کابل- و یا جاهای دیگر مرگ بوده است. تا سال ۲۰۰۵ هیچ تلاشی برای نبش قبر اشخاصی که گفته می شود در گورهای دسته جمعی مجاورت زندان دفن هستند، نشده است.

معاون نخست وزیر (صدراعظم) حزب خلق، حفیظ الله امین، یک قوه محرک پشت سر اقدامات دولت برای سرکوبی مخالفین بود. علیرغم وحشی گری های زیادی که در این دوره، ۱۹۷۸-۱۹۷۹، به وقوع پیوسته، بسیار اسناد کم از واقعات و حادثات این دوره وجود دارد. پروژه عدالت افغانستان، تحقیق و تفحص مستقلی را به ارتباط حادثات دستگیری های بی مورد، شکنجه و قتل های بدون محکمه این دوره انجام داده است. ما همچنین تحقیق کرده ایم به ارتباط یک تعداد از مفقودالثری ها، آدم ربایی ها و توقیف های پنهانی اشخاص، که معمولاً همراه با شکنجه و قتل عام های بدون محکمه همراه بوده است. اینگونه اعمال جرم و جنایت علیه انسانیت محسوب می شود. تعداد مفقودی ها که از اپریل ۱۹۷۸ تا دسامبر ۱۹۷۹ به وقوع پیوسته نامشخص می باشد اما در حدود ده ها هزار

نفر تخمین زده می شود. حادثات شکنجه، مفقودی و قتل های بدون محکمه که در این راپور آمده است فقط بیانگر نمونه های کمی از جنایات بی شمار که به وقوع پیوسته، می باشد.

سرکوب ها شکل دیگر به خود گرفت، حزب خلق مناطق مقاومت کنندگان را بمباردمان نموده و تعداد زیادی غیر نظامی کشته شد. پروژه عدالت افغانستان مبارزه های حزب دموکراتیک خلق را مقابل مخالفان محلی در لوگر، بامیان و ننگرهار تحقیق نموده است. در هر مورد از درگیریها شامل بمباردمان قریه ها در مناطق مستقر مخالفان بوده است. در بیشتر موارد بمباردمان ها نامشخص و بی تناسب بوده که تعداد زیادی غیر نظامی کشته شده است. شهودی که پروژه عدالت افغانستان همراه آنان مصاحبه نموده، از عملیات های جست و جو و تلاشی که منجر به دستگیری مردان و سپس ناپدید شدن شان می شده است، شرح داده اند.

این ظلم ها جرعه قیامها و شورش ها را در داخل اردوی افغان مشتعل ساخت که ثبات رژیم را تهدید می کرد. این گزارش شرح تعدادی از این قیام ها در کنر، هرات، کابل و هزاره جات و تلاشهای دولت برای سرکوبی آنها را در بردارد. شورش در گارنیزون هرات در مارچ ۱۹۷۹ ممکن یک نقطه عطف برای پالیسی شوروی و تصمیمش برای حمله در دسامبر ۱۹۷۹ به حساب آید. پاسخ دولت حزب دموکراتیک خلق به این قیام ها یکی از شدیدترین جنایات جنگی در آن دوره بشمار می رود.

تجاوز شوروی تغییری در تاکتیک جنگ به همراه آورد. قوای شوروی امین را به قتل رسانده و ببرک کارمل از جناح رقیب (پرچم) را به جای وی جایگزین نمودند. با آگاهی از ضرورت حمایت از حزب، شوروی ها قتل عام های روشنفکران، رهبران مذهبی و دیگران را متوقف ساخته و به جای آن راه های سیستماتیک جاسوسی و اهداف سرکوبگرانه را اتخاذ نمودند. پولیس مخفی، خدمات اطلاعات دولت یا خاد به تقلید از KGB شوروی تنظیم شد. خاد به قتل عام های بدون محکمه به مقیاس وسیع، توقیف ها و شکنجه های افراد مظنون به حامی مجاهدین (مقاومت گران) مبادرت ورزید. در اطراف شهرها بمباردمان های نامشخص یک عمل معمولی شده که بی شمار غیر نظامیان کشته شده اند. در اوائل دهه ۱۹۸۰ بیشتر پناهندگان که به پاکستان رسیده بودند اظهار داشته اند که آنها به خاطر بمباردمان گریخته اند. بمباردمان غیر مشخص منجر به تشکیل یک گورستان تجاوز به حقوق بین المللی شد. پروژه عدالت افغانستان یک تعداد از این حادثات را در این راپور آورده است. اما این حادثات کمی که مستند داشته ایم باید به عنوان نمونه ای از اعمال انجام یافته در

بسیاری جاها تلقی شود که باعث ویرانی حومه شهرها، کشته شدن ده ها هزار نفر و آواره شدن پنج میلیون افغان شده است.

۲-۲ عقب نشینی شوروی و دولت نجیب الله ۱۹۸۸ الی ۱۹۹۲

دوره بین عقب نشینی قوای شوروی در ۱۹۸۸-۱۹۸۹ و سقوط دولت نجیب الله در ۱۹۹۲، شاهد چندین تغییرات مهم در نمونه های سوء استفاده (جنایات) توسط تمام احزاب داخل بحران بوده است. دولت برای خود یک هویت اسلامی فرا خوانده و بعضی اصلاحات را در قانون پذیرفت تا به راحتی کنترل مطلق منطقه را داشته باشد. گرچه اصلاحات به طور قابل ملاحظه زیبا بود، دستگیری ها کاهش یافت ولی متوقف نشد. بمباردمان مناطق نظامی مقاومت گران (مجاهدین) در اطراف شهرها به طور محسوسی ادامه یافته و تعدادی از غیر نظامیان کشته شدند.

در همین زمان، فرقه های مخالفان (مجاهدین) بیشتر برجسته شد به قسمی که احزاب مختلف آشکارا رقابت می کردند برای اینکه آنها سرانجام تغییر رژیم کابل را پیش بینی می کردند. این دوره همچنین شاهد امتیاز بیشتر و استقلال واقعی ملیشه هایی که به ظاهر به رژیم کمونیستی وفادار بودند ولی وفاداری آنها اصلاً بر اساس پول دریافتی شان و مبادرت آنها به ظلم مقابل غیر نظامیان و چور چپاول بود.

۳- نقض حقوق بشر بین المللی و قوانین انسانی در دوره سلطه حزب خلق ترکی- امین، ۲۷ آپریل

۱۹۷۸ الی ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹

۱-۳ دوره از سرکوب های وسیع

این دوره که با انقلاب (کودتا) ثور در ۲۷ آپریل ۱۹۷۸ شروع شد، شاهد بدترین جنایات (تخطی ها) در تمام دوران جنگ بوده است. نور محمد تره کی از جناح خلق تا سپتامبر ۱۹۷۹ رئیس جمهور بود که در این زمان توسط معاونش امین به قتل رسید که وی نیز از جناح حزب خلق بود. سپس امین رئیس جمهور شد. در تمام مدت این دوره، وی یک قوه محرک به عقب اصلاحات اساسی بود که با بی اطلاعی پلان گذاری شده و با بیرحمی و ستمگری تحمیل شد و به زودی باعث یک سلسله قیامهای مشهور در اطراف کشور شد. همچنان رهبران حزب خلق ثابت کردند که ظالم، خشن و مایل به جنگ داخلی هستند. آنها بیشتر کشور را به ضد خودشان ساختند به خاطر دستگیری ها و قتل هزاران نفر که این گونه اعمال را تغییر انقلابی خاطر نشان می کردند. دستگیری های گسترده و قتل مخالفان معروف بلافاصله بعد از کودتا شروع شد و مسئولینی که در حومه شهرها مخالف رژیم و اصلاحاتش بودند، به شمول مامورین دولتی سابق، رهبران مذهبی، رهبران قومی، معلمین

و بقیه روشنفکران را هدف قرار داد. همچنان در شهرها هم دستگیری های مخالفان مظنون و فعالان سیاسی گسترش یافت.

علیرغم شرارت زیاد و جنایات بی شمار، این دوره کمترین اسناد جنگ را دارا می باشد. افغانستان از بیشتر قسمتهای جهان مجزا بوده و خبرنگاران خارجی کمی به این کشور دسترسی داشته اند، و اخبار حادثاتی که خارج از کابل به وقوع پیوسته به آهستگی در خارج از کشور نشر می شد. در نتیجه، بیشترین اطلاعات همراه پناهندگان که شروع به گریختن از کشور نموده بودند، انتقال یافت. آن عده که توانایی داشتند به اروپا، امریکا و یا دیگر کشورها فرار کردند و هزاران نفر دیگر در پاکستان و ایران مسکن گزیدند.

بعد از کودتا، تره کی هم رئیس جمهور شورای انقلاب و هم نخست وزیر (صدراعظم) شد. دو منشی وی ببرک کارمل (از حزب پرچم) و حفیظ الله امین معاونین نخست وزیر شدند. تره کی، دگر جنرال عبدالقادر پرچمی را به حیث وزیر دفاع و نور محمد نور را به حیث وزیر داخله مقرر کرد. در جولای ۱۹۷۸ جنگ داخلی حزبی منجر به پاک سازی پرچمی ها شد، تعداد زیادی کشته شدند در حالیکه اشخاص برجسته آن به خارج به عنوان سفیر فرستاده شدند.

یک سازمان استخبارات جدید که مستقیم به تره کی راپور می داد تحت نام AGSA بلا فاصله بعد از کودتا تأسیس شد که توسط اسدالله سروری از جناح خلق و توسط تره کی رهبری می شد. بعد از کودتای امین در سپتامبر ۱۹۷۹ وی AGSA را به KAM (سازمان استخباراتی کارگران) تغییر نام داده و در ابتدا عزیز احمد اکبری و سپس اسدالله امین را به حیث رئیس آن تعیین کرد. به هر جا امین سازمان را با اقوام و دست نشانده های نزدیکش به پیش برد. سازمان مستقیماً از طرف آلمان شرقی و روسیه سابق (USSR) حمایت می شد. جنرال نبی عظیمی، یک پرچمی سابق معاون وزیر دفاع و قوماندان گارنیزون کابل تحت امر نجیب الله، در کتابش به ارتباط جنگ نوشته است که رژیم تعداد زیادی مردمان عادی، ملاها، و روشنفکران را دستگیر کرده و در زندان پلچرخ انداخته و یا در زندان پلچرخ بدون محکمه در تاریکی شبها اعدام نموده و در چاله هایی که آماده کرده بودند، انداخته اند. وی همچنان نوشته است که AGSA تشکیلات ویژه ای (خاصی) داشت که بر اساس سازمان استخبارات سابق پایه گذاری شده بود. اسدالله سروری اولین رئیس KAM بود. فقیر محمد فقیر وزیر داخله شد، زمانیکه امین روی قدرت شد. قوماندان زندان پلچرخ سید عبدالله بود.

در جولای ۲۰۰۵ سروری در محوطه NDS پهلوی صدارت، یک توقیف گاه در محوطه نخست وزیری، طبق قوانین اداری افغانها نگهداری شده است. در سالهای بعد از سقوط دولت نجیب الله وی در توقیف گاهی در دره پنجشیر نگهداری شده است.

۲, ۳ گزارش گذرا از دستگیری ها، مفقودالائری ها و قتل های بدون محکمه

ادامه دارد...